

تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ◇ (از زمان شکل‌گیری تا پایان دوره اول خلافت عباسی)

سید محمدعلی پورموسوی^۱

چکیده

هدف: این مقاله در پی بررسی چگونگی و زمان شکل‌گیری تشیع در اسلام و وضعیت آن در زمان حیات پیامبر(ص) و پس از آن تا دوره اول دولت عباسی و نقد فرایند شکل‌گیری نظام مذهبی و سیاسی شیعه به ویژه در ایران بوده است. **روش:** مقاله حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و با رویکردی کاربردی و منطقی، به اثبات این فرضیه می‌پردازد که شیعه به عنوان مذهب، هم‌زمان با بعثت پیامبر گرامی اسلام(ص) شکل گرفته، نظامی مذهبی و سیاسی را پی افکنده و از همان ابتدا مورد توجه بخش عمده‌ای از مردم ایران قرار گرفته است. **یافته‌ها:** نقش خلفا و زمامداران عرب، حاکمان ایرانی، قیامگران شیعی و حاکمان شیعه و در یک کلام، شکل‌گیری نظام مذهبی سیاسی تشیع در پذیرش تشیع از سوی ایرانیان را بررسی کرده، اثبات کند که اولاً، تشیع نشأت گرفته از اندیشه‌ها و آرای حضرت رسول(ص) و صحابه بوده و نظام معرفی شده از سوی این مذهب برگرفته از اندیشه‌های اصیل اسلامی است و ثانیاً، ورود آن به ایران با ورود اسلام هم‌زمان است. همین موضوع ثابت خواهد کرد که شیعه در قرون اولیه اسلام و هم‌زمان با آن رشد کرده و از شبه‌جزیره عربستان به سایر نقاط جهان اسلام گسترش یافته است. **نتیجه‌گیری:** با پذیرش این امر مسجل خواهد بود که مذهب شیعه، مذهبی نظام‌مند بوده که با بهره‌گیری از عملکرد خلفا، زمامداران عرب، انجام قیامهای مختلف از سوی علویان و مخالفان امویان و عباسیان و نیز تشکیل حکومت‌های شیعی در ایران برای دستیابی به استقلال و معرفی اندیشه‌های خود تلاش کرده و همین امر، شیعه را به عنوان مذهب انتخابی ایرانیان به جهان معرفی کرده است. **واژگان کلیدی:** نظام‌سازی، شیعه، حکومت‌های شیعی، موالی، خلفا، زمامداران ایرانی.

◇ دریافت مقاله: ۹۴/۰۹/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۵/۰۳/۰۲

۱. دانشجوی دکترای تخصصی شرق‌شناسی / نشانی: تهران، خیابان انقلاب، کوچه اسکو پلاک ۱۵، معاونت آموزش و پژوهش نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها/ شماره: ۶۶۴۱۶۰۰۰-۶۶۴۱۳۲۵۴ / Email: pourmosavi@yahoo.com

الف) مقدمه

پیوندهای قدیمی قوم عرب با ولی نعمتان سابق خود؛ یعنی امپراتوران ایران و دولت ساسانی (طبری، بی تا: ۷۶۴)، باعث شد که فاتحان جدید عرب به سلسله تهاجمات پیوسته و دامنه‌داری به خاک کشور ساسانی دست بزنند. این تهاجمات با مهاجرت سیل آسای قبایل عرب به ویژه از کوفه و بصره به مناطق مختلف ایران همراه شد. (فرای، ۱۳۸۷: ۳۰)

این تهاجمات موجب شد مناطق وسیعی از سرزمین ایران ضمیمه خلافت اسلامی شود که منافع بسیاری را برای خلفای اول و دوم به همراه داشت.

امپراتوری گسترده ساسانی، سرزمین آرزوها، قدرت و ثروتهای ناشناخته‌ای بود که چشم فاتحان عرب را خیره می‌کرد. یکی از هزاران موضوعی که فاتحان عرب باید به آن می‌پرداختند، موضوع دین و دیانت، در برابر آنچه زرتشتی‌گری در طول تسلط ساسانیان مهیا کرده بود و زرق و برق خیره‌کننده معابد و آتشکده‌های آنان، اعراب فاتح را به اندیشه و تحیر و چپاول بیشتر ترغیب می‌کرد، البته پاسخ دین اسلام سادگی و عدالت و ارائه چهره‌هایی از قهرمانان خداجوی و مردم‌دوست بود.

اسلام به تانی و تأمل در ایران پیش رفت و در طول دو قرن، زرتشتی‌گری را در بیشتر نقاط ایران عقب نشانده. پیشرفت اسلام و عقب‌نشینی و تسلیم زرتشتی‌گری، دو قرن دیگر نیز ادامه یافت. (پتروشفسکی، ۱۳۴۶: ۴۵)

برای بررسی موضوع دین در ایران پس از فروپاشی قطعی سلسله ساسانی (۶۵-۳۱) باید جغرافی فوحتات و مناطق استقرار فاتحان و مناطق دور از دسترس مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا از همین روزنه‌هاست که می‌توان ورود مکتبهای مختلف اسلامی به ایران را بررسی و تحلیل کرد.

در بحبوحه حملات مسلمانان به ایران، ناخواسته یا به دلایل مختلف، تضارب آرا و مقایسه دو آیین اسلام و زرتشتی‌گری نیز صورت می‌پذیرفت که از سوی نگارنده قابل توجه و مهم ارزیابی می‌شود.

ب) بیان مسئله

شکل‌گیری مذهب شیعه در جهان اسلام سابقه‌ای به قدمت اسلام داشته و همواره به عنوان یک مذهب پویا و فعال که حرکت و قدرت فکری و فرهنگی خود را از شخص پیامبر عظیم‌الشأن اسلام و خانواده گرامیشان دریافت کرد، در فرایند تاریخی خود با چالشها و فراز و فرودهای بسیاری مواجهه بوده و همین امر موجب شده است که این جریان فکری و مذهبی اصیل و ریشه‌دار تجربیات تلخ و شیرین بی‌شماری را پشت سر گذاشته و به یک تشکل فعال سیاسی و البته مذهبی تبدیل شود و با ادامه حیات فکری، سیاسی و مذهبی

تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ۲۶۵

خود، در مقابل حکومت‌های اقتدارطلب و فساد سیاسی دوره‌های مختلف که البته با استفاده از رویکردی دیگر به اسلام در قالب فکری مذهب تسنن شکل گرفته بودند، به مقابله و مبارزه پردازد.

البته باید به این نکته ضروری نیز توجه داشت که حرکت و تکامل اجتماعی و سیاسی شیعه در طول اعصار، به ویژه در دوره مورد نظر، حرکتی تدریجی اما پیشرونده بود که در نهایت به شکل‌گیری نظام فکری-سیاسی شیعه و استقرار آن به عنوان یک دولت مستقر در ایران و برخی کشورهای دیگر انجامید.

فرضیه:

تشیع به عنوان یک مذهب مستقل نشأت گرفته از اندیشه‌ها و آرای حضرت رسول اکرم (ص) بوده و توانسته است با بهره‌گیری از اندیشه‌های ناب ایشان و خاندان گرامی آن حضرت، شرایطی را فراهم آورد تا شیعیان بتوانند ضمن توسعه ممشای فکری خود، با تشکیل نظام سیاسی مختص به خود، به جریانی قدرتمند در دنیای اسلام تبدیل شده، به تشکیل دولت پردازند.

سؤال اصلی:

تشیع در اسلام از چه زمانی و چگونه شکل گرفت و نظام سیاسی آن از زمان شکل‌گیری تا پایان دوره اول خلافت عباسی به ویژه در ایران از چه فرایندی برخوردار بود؟

ج) گستره جغرافیایی نفوذ اسلام در ایران

در سفرهای جنگی فاتحان عرب پس از سالهای ۶۵-۳۱ ق. مناطق گسترده‌ای در تصرف گروههای جنگی مسلمان درآمد؛ ولی نواحی بلخ، غور، زابلستان، کابل و سرزمینهای کرانه دریای خزر (دیلم و طبرستان) همچنان مستقل باقی ماندند و مقاومت کردند و این مقاومت در بعضی مناطق مانند بلخ، نیم قرن طول کشید. اما کرانه‌های دریای مازندران، دیلم، غور و کابل در برابر تهاجم اعراب مسلمان هرگز تسلیم نشدند. (همان، ۴۳)

مناطقى که بعد از قرن دوم در شمول سرزمینهای فتح نشده، ضمیمه کشورهای اسلامی شد، مأمی برای جریانات مخالف خلافت اسلامی و مکاتب متفاوتی از اسلام شد که مورد بی‌مهری خلافت واقع شده بودند؛ مانند نحل‌های مختلف شیعه، خارجی‌گری و حتی اندیشه‌های نو ایرانی برانداز. البته شیعیان؛ یعنی طرفداران خاندان اهل بیت، قوی‌ترین رقیب خلافت بودند.

(د) شیعه و تعریف آن

شهرستانی (۵۴۸-۴۶۴ م) در تعریف شیعه می‌گوید: شیعیان طرفداران حضرت علی (ع) می‌باشند که حق خلافت و امامت را از آن وی می‌دانند. آنان به تولی و تبری معتقدند. ... فرقه‌های مهم شیعه عبارتند از: کیسانیه، زیدیه، امامیه و اسماعیلیه، که بعضی به اهل سنت و برخی در اصول به معتزله و بعضی به مشبهه میل کنند. (شهرستانی، بی تا: ۱۵۵)

سبب جدا شدن اقلیت شیعه از اکثریت سنی و بروز اختلاف در جامعه نوپای اسلامی، به روزگار حیات پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) برمی‌گردد که بر اساس شواهد و گواهی همه گواهان، پیامبر اسلام (ص) در مواضع و جایگاه‌های بی‌شمار، علی (ع) را بر همه صحابه خویش ممتاز می‌کرد که احادیث روایت شده از سوی سنیان و شیعیان بر این رویکرد گواهی می‌نمایند و البته تاریخ نیز با وجود همه موانع و دشمنی‌های جهت‌دار، بر بسیاری از این حوادث سترگ مهر تأیید نهاده است. چنانکه جانشینی علی (ع) پس از پیامبر اسلام (ص) موضوعی روشن و مسجل می‌گردد. اما برخلاف انتظار هنوز پیکر پیامبر اکرم (ص) دفن نشده بود که مخالفان جانشینی علی (ع) از یک حرکت خودجوش برای توطئه‌ای هماهنگ سود جستند و در کودتایی سیاسی، جانشینی را به نفع یاران خویش سازمان دادند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۷). از آن روز، خلافت سیاسی به رهبری خلفای اول تا سوم در مقابل جریان خلافت دینی به رهبری امام علی (ع) قرار گرفت و اقلیت؛ یعنی شیعیان علی (ع)، در مقابل انبوه اکثریت خلافت سیاسی ایستادگی کرد. نام شیعه هر چند که بعداً مصادیقی مانند شیعه اموی و شیعه عثمانی نیز پیدا کرد و با شیعه محیی و شیعه اعتقادی جدا شد (جعفریان، ۱۳۷۱: ۹-۲۷)، ولی در طول زمان و با یاری و مدد همه متفکران دین‌پژوه، مسیر اصلی خود را یافت و با ارائه نظام مذهبی سیاسی منسجم و مختص به خود، نقش اساسی خویش را در تمدن اسلامی ارائه کرد.

۱. شیعه به عنوان یک مذهب اسلامی

موضوع دیگری که به ناچار باید بدان پرداخت، انتساب غلط شیعه به عنوان یک مذهب ایرانی است. در صورتی که شیعه، مذهبی اسلامی است که از سرزمین حجاز برخاسته و تنها به عنوان یک انتخاب، مورد توجه ایرانیان قرار گرفته است.

شیعه همانگونه که اشاره شد، ریشه در اندیشه‌ها و آرای الهی پیامبر اکرم (ص) دارد که در مواضع مختلف، علی (ع) را یا برتر از دیگران یا مستقیماً به عنوان سالار و بزرگ دین معرفی می‌کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۸: ۶)؛ «بعسوب‌الدین» یعنی پادشاه زنیوران معرفی‌اش می‌کرد یا در تفسیر آیه شریفه «... الذین آمنوا و عملوا صالحات اولئک هم خیر البریه»، پیامبر (ص) به علی (ع) می‌فرماید: مصداق این آیه، تو و شیعیانت می‌باشید که در قیامت خشنود خواهید بود و خدا هم از شما راضی می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۷)

تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ♦ ۲۶۷

گروهی از مخالفان سعی کرده‌اند موضوع شیعه را در علاقه و ارادت به اهل بیت پیامبر(ص) خلاصه کنند(معروف الحسینی، بی‌تا: ۴۲) و گروهی دیگر سعی در ایرانی بودن؛ یعنی نژادی و ملی جلوه دادن تشیع کرده و برای آن دلایلی نیز ذکر کرده‌اند. موضوع دیگری که در دورنمای اولیه اسلام مطرح شد و سعی شد با امکانات آن دوره؛ یعنی حدیث‌سازی و محدث‌آفرینی دروغین اموی، شیعیان را برآمده از یک اندیشه افراطی و مخرب پس از پیامبر اکرم(ص) قلمداد کنند. در همین زمینه از سوی این افراد، داستان عبدالله بن سبا و تفکر سبائیه مطرح شد. گفتنی است که علامه سید مرتضی عسکری موضوع عبدالله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی پیرامون آن را باطل می‌داند.

مهم این است که قلمداد کردن مذهب شیعه به عنوان یک مذهب ایرانی، دارای بنیانهای سست و بی‌اعتبار بوده و ساخته و پرداخته محققان و مستشرقان قرون اخیر است. باید اذعان کرد که این عقیده بر اساس یک پندار اروپایی به ظاهر علمی، مبنی بر ریشه‌های نژادی ادیان شکل گرفته است. البته این عده از اروپاییان در همین موضوع نیز دچار اشتباه شده‌اند. اینان در عین حال، مفهوم نژاد؛ یعنی نوع مشخص و موروثی را از لحاظ مردم‌شناسی، با قوم؛ یعنی آن گروه از مردم که دارای یک فرهنگ و تربیت مشترکند، یکسان تصور کرده و دچار اشتباه شده‌اند(پروشفسکی، ۱۳۴۶: ۵۰). این گروه از شرق‌شناسان، مذهب سنی را کیش مردم عرب و شیعه و صوفی‌گری را دین نژاد ایرانی قلمداد کرده‌اند. برای بطلان این نظریه کافی است به تاریخ ادیان مختلف، به خصوص ادیان بزرگ عالم مثل زرتشتی، مانوی، مسیحیت و بودایی توجه شود که چگونه در ملل و با فرهنگهای مختلف نفوذ یافته و گسترش یافته‌اند.

۲. مروری بر تاریخ شیعه

در بررسی تاریخی تشیع می‌توان اینگونه گفت که، شیعه برای اولین بار توسط رسول گرامی اسلام(ص) مطرح شد و اولین شیعیان نیز صحابیان برجسته‌ای بودند که از اعراب محسوب می‌شدند و به جز سلمان فارسی، دیگرانشان تبار ایرانی نداشته و در زمره موالی نیز محسوب نمی‌شوند.

نویسنده کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، انتخاب شیعه از سوی ایرانیان به عنوان مذهب غالب را به دلیل سازگاری تشیع با روح ایرانی و یافتن گمگشتگان خود در این مذهب می‌داند. مطهری علاوه بر هوشمندی و توانایی ایرانیان در انتخاب مناسب و نیز داشتن تمدن و فرهنگ دیرینه، معتقد است مردم ایران بیش از هر ملت دیگری به روح و معنی اسلام توجه داشتند و به همین دلیل، توجه ایرانیان به خاندان رسالت از هر ملت دیگری بیشتر بود و تشیع در میان ایرانیان نفوذ بیشتری یافت.(مطهری، ۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۲۰)

به هر حال، در اواخر قرن اول هجری، ایران سرتاسر یک کشور اسلامی قلمداد می‌شد. اما روح ایرانی در انتخاب عصیان و انقلاب علیه نیروی خارجی و ترغیب حاکمان ایرانی برای اعلان استقلال و توسعه و تعمیق پایه‌های دیانت جدید؛ یعنی اسلام، با موجودیت و جوهره ایرانی و بالاخره انتخاب متناسب با حقیقت دین و بر مدار مدنیت و عقلانیت ایرانی شکل پذیرفت.(اشپولر، بی‌تا: ۲۴۰)

هـ) بنی‌امیه و شیعیان

پس از توجه به زمان شکل‌گیری شیعه (دوران حیات رسول گرامی اسلام) و فهم پایه‌های فکری این جریان برای نظام‌سازی مذهبی-سیاسی، زمان آن می‌رسد که روند تاریخی این جریان مذهبی-سیاسی بررسی شود. فتح ایران در دوران خلیفه اول آغاز شد و در زمان خلیفه دوم قسمتهای مهمی از ایران به جز مناطق گیلان، طبرستان، آسیای میانه، سیستان و ... به تصرف سپاه عرب درآمد. سیاست خلیفه‌گان اول و دوم در کشاندن عصبیت عربی به خارج از مرزهای عربستان و دور کردن گروهها و قبایل بدوی عرب از مرکز خلافت، برای کشورگشایی و به دست آوردن غنائم، سیاست زیرکانه و موفقیتی بود؛ ولی آثار زیانباری نیز با خود همراه داشت و غنائم زیاد و اسیران بی‌شمار این حوادث، به سرعت جامعه بدوی در حال شکل‌گیری عرب را تحت تأثیر عمیق خود قرار داد. این نکته که عمر، خلیفه دوم به خدا پناه می‌جسته از فرزندان دختران اسیر جلولاء، موضوع دور از ذهنی نیست (کوفی، ۱۳۷۴: ۹۵۶) و شهادت نگارنده اخبار الطوال نیز در تأیید این موضوع جالب است که می‌نویسد فرزندان اسیران جلولاء در واقعه صفین شرکت کردند. (دبوری، ۱۳۶۴: ۱۴۱)

دوران خلافت علی (ع) پس از غائله‌ای که علیه عثمان شکل گرفت، آغاز شد. خلافت حدود پنج ساله علی (ع) با چندین جریان مختلف و مخالف در جامعه هم‌زمان بود؛ جریاناتی که به دلیل نوع تعامل و سیاستگذاری‌های خلفای سه‌گانه شکل گرفته و ظهور پیدا کردند. قاسطین و ناکثین و مارقین سه جریان سیاسی و عقیدتی است که علی (ع) خود نام می‌برد. تعمیق و توسعه تفکر شیعی و عشق و ارادت به خاندان اهل بیت از نتایج خلافت پنج ساله علی (ع) بود. امام علی (ع) سخت بر مدار دین‌پایداری می‌کرد و از هر گونه شبهه دنیاگرایی دوری می‌جست و چنان از خود حزم و احتیاط در حکومت ابراز می‌داشت که سیاست‌پیشگان روزگار بر او مبالغه و ایراد می‌کردند. ولی آنچه در تاریخ پرآوازه شد، روش دینی، عدالت‌گرا و ظلم‌ستیز است که علی (ع) در حکومت پایه‌گذاری کرد و شیعیان، طرفداران پاک‌اعتقاد آن شدند.

با شهادت علی (ع)، دو جریان متفاوت در کنار خلافت سیاسی که توسط معاویه پس از صلح با امام حسن (ع) و کناره‌گیری ایشان از خلافت سردمدار آن بود تشکیل شد. گروه اول، شیعیان علی (ع) و فرزندان او و گروه دوم، خوارج که سخت با خلافت درآویخته بودند. (فرای، ۱۳۸۷: ۳۵)

ایرانیان در هر دو جریان متفاوت شرکت جسته و خلافت اموی را آزار بسیار رساندند. امویان که تداوم آریستوکراسی عرب جاهلی را با ظاهری از اسلام به جامعه ارائه می‌کردند، منادی نوعی آپارتاید عربی نیز بودند. لسان‌الملک سپهر در روضه‌الصفاء از نامه‌ای یاد می‌کند که معاویه به حاکم عراق نوشته بود. در این نامه، معاویه به زیاد (حاکم عراق) گوشزد می‌کند که ایرانیان تحت عنوان موالی در میان ملت اسلام به سر می‌برند و این گروه جز با روشهای عمر اداره‌شدنی نیستند و در ادامه از سخت‌گیری به آنان و خوار

تشیح و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ❖ ۲۶۹

کردنشان و ممنوعیت ازدواج موالی با زنان عرب و کم کردن سهم آنان از ارزاق و کمکهای بیت‌المال سخن می‌گوید. (رضایی، ۱۳۷۳: ۱۹۰)

آنچه از این نامه بدون سند که البته دریافتهای بسیاری در تاریخ از آن می‌توان یافت، دستگیر می‌شود آن است که سیاستهای سختگیرانه معاویه و بنی‌امیه و فشارها و ظلمهایی که از این حاکمان خودسر بر مسلمان و موالی و شیعیان رفت- که تاریخ مشحون از این ماجراهاست- به همراه قیامها و انقلابهای بزرگ این دوره، نفرت ایرانیان از بنی‌امیه و علاقه به خاندان پیامبر و اهل بیت و همراهی‌شان با قیامهای علویان را سبب شد.

معاویه در دوران مبارزه و اردوکنشی طولانی علیه خلافت قانونی علی(ع)، هر جا که بر شیعیان علی دست یافت، آنان را از دم تیغ گذراند. بسرین ارطاه از شام تا یمن حدود ۳۰ هزار نفر را کشت و هر جا بر شیعیان علی(ع) دست یافت آنان را یا کشت یا سوزاند(ابن‌ابی‌الدید، ۱۳۸۸: ۱۸۲). وی حتی پس از شهادت علی(ع) و امضای صلح نامه با امام حسن(ع) بر تعصب عربی خویش و کشتار شیعیان افزود. شاخص‌ترین کشته‌شدگان این دوره، حجر بن عدی کندی و عمرو بن حمق خزاعی بودند که موجی از تأثر و اعتراض را در میان مسلمانان و شیعیان و حتی مخالفان شیعه، مانند ام‌المؤمنین عایشه برانگیخت. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۶۲)

عظیم‌ترین حادثه رویارویی بزرگان شیعه که باعث شد پایه‌های حکومت اموی سست و نادرستی و غیر دینی بودن خلافت اموی برملا شود، قیام حسین بن علی(ع) در مقابل جانشین فاسد معاویه؛ یعنی یزید است. شهادت امام حسین(ع)، پاسخ تاریخی ائمه شیعه در رویارویی با خلافت سیاسی و جریان اکثریت منبعث از آن است.

امام حسین(ع) به روشنی و در یک برنامه منظم تبلیغی می‌گوید که برای اصلاح امت جدش رسول‌الله(ص) قیام کرده و اراده‌ای جز امر به معروف و نهی از منکر ندارد. (مطهری، ۱۳۸۷: ۶۸)

پیش‌بینی‌های امام حسین(ع) خیلی زود محقق شد و در ظهر عاشورای سال ۶۱ در جنگی نابرابر به همراه یارانش به شهادت رسید(سید بن طاوس، ۱۳۸۵: ۱۷۵). ولی شهادت اباعبداله(ع) آغازی بر حرکتی جهادی و عظیم از سوی شیعیان است. مختاراللیثی می‌نویسد: در نتیجه کشته شدن امام حسین(ع) بسیاری از موالی(ایرانیان) به تشیح گراییدند. آنان امام حسین(ع) را نمونه‌الای فداکاری و رنج و سختی کشیدن برای بشریت دانستند(مختاراللیثی، ۱۳۷۸: ۳۳). با توجه به مطالب پیش گفته، این نکته را باید پذیرفت که پس از شهادت امام حسین(ع)، شیعه از یک جریان توده‌ای بی‌هدف، به صورت دسته‌های منظم و دارای ساخت درونی و حتی شعبه‌ها و گروههای متفاوت درآمد که روابط سیاسی و دینی مشخصی آنان را به هم پیوند می‌داد و حتی نیروی نظامی خاص خود را داشتند.

به عبارت دیگر؛ شیعه پس از شهادت امام حسین(ع) به عنوان یک حرکت جهادی و نظام‌مند، حکومت اموی را مورد تهدید قرار داد و برای آن ایجاد زحمت کرد. به عنوان مثال، گروه توأیین به رهبری سلیمان بن سرد خزاعی در کوفه شکل گرفت. این خیزش بزرگ را می‌توان قیامی سهمگین و البته ناامیدانه برای

۲۷۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۷

تطهیر گناه عدم همراهی امام حسین(ع) از سوی مردم کوفه قلمداد کرد. پس از آن قیام مختار ثقفی کمی بیشتر دوام یافت و مبانی و نشانه‌های بیشتری از نظام مذهبی سیاسی شیعه در قالب یک حکومت را فراهم کرد. هرچند این دو جریان را خواستهای متفاوتی به پیش می‌راند، ولی در هر دو جریان، شیعه و موالی از ارکان عمده قیام بودند. (پتروشفسکی، ۱۳۴۶: ۵۶)

موالی در قیامهایی متفاوت علیه امویان وارد شده و جنگیدند. داستان مبارزه دلیرانه موالی در قیام سیاسی ابن اشعث و قهرمانی به نام فیروز در این نبرد با حجاج عامل خلیفه در عراق از آن جمله است. (فرای، ۱۳۸۷: ۴۱)

بدگمانی و نگاه تحقیرآمیز امویان و سختگیری و سخت‌کشی ایرانیان و شیعیان (همان: ۴۴)، ایرانیان را در مقاومت و مبارزه، استوارتر و در اعلان و ابراز علاقه به اهل بیت، مصمم‌تر ساخت. حادثه‌ای که پس از شهادت امام حسین(ع) رشد و گسترش شیعه در ایران را سرعت بخشید و سمت و سوی تازه‌ای به قیام و مقاومت آنها علیه حاکمیت رسمی بخشید، قیام زید بن علی بن الحسین است؛ چرا که وی شخصیتی برجسته از اهل بیت محسوب می‌شد (مسعودی، ۱۳۷۰: ۲۰۹). شهادتش در کوفه پس از پایمردی و استواری او و یارانش، جریان جدیدی از شیعه را به وجود آورد که به حرکت شیعیان زیدی در تاریخ معروف است. باید به این نکته توجه کرد که زیدیان در کلام، معتزلی‌مشرّب بوده و شیخین را نیز تأیید می‌کنند؛ امام علی(ع) را افضل صحابه دانسته و برای امامت و رهبری قائل به امامت اولاد علی(ع) و فاطمه(س) دخت گرامی پیامبر(ص) و قیام به شمشیر و مبارزه در راه خدا می‌باشند. قیام یحیی بن زید در خراسان و تداوم حرکت جهادی زیدیان در طبرستان و سپس در یمن و بالاخره حکومت شیعه زیدی در طبرستان توسط حسن بن زید علوی، حاصل این مجاهدات است. (میراحمدی، ۱۳۶۹: ۳۰)

ضربات پی در پی شیعیان و موالی به کیان خلافت اموی، به همراه شورشهای خوارج که بعضاً موجودیت خلافت را در معرض تهدید قرار می‌داد- همانند قیام ضحاک بن قیس خارجی در فاصله قرنهای دوم و سوم ق. / هشتم و نهم م. (پتروشفسکی، ۱۳۴۶: ۶۶) - جامعه اسلامی را مهیای تغییرات وسیع کرده بود؛ زیرا خلافت اموی دیگر توانایی پاسخگویی به درخواستها و آرای جدید جامعه را نداشت. همین امر، شکل‌گیری نیروی جدیدی را که توانایی مقابله با این اقدامات را داشته باشد، ضروری می‌ساخت؛ ظرفیتی که توان پاسخگویی علمی و ایجاد نظم و استحکام درونی و قدرت فزاینده مذهبی و سیاسی را داشته باشد. این امر در اراده و عقاید شیعیان و در نزد رهبران شیعه فراهم آمده بود و رهبران زیرک، جاه‌طلب و فرصت‌جوی عباسی از آن بهره‌جسته، عنصر ایرانی را برای کسب قدرت در برابر عربیت اموی قرار دادند.

و) خلافت عباسی موالی، ایرانیان و تشیع

عباسیان که در زمره مخالفان سرسخت امویان محسوب می‌شدند، از مدت‌ها پیش برای کسب منصب خلافت و از بین بردن قدرت اموی در تلاش بودند. آنها توانستند با استفاده از برنامه‌های وسیع تشیکلاتی، مانند

تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ♦ ۲۷۱

اختلافی کانون رهبری، رازداری، سود جستن از احساسات علویان و طراحی شعارهای مناسب دعوت، در مدت کوتاهی قلوب ایرانیان و شیعیان را به خود متمایل سازند. انتخاب شعار کلی «الرضا من آل محمد» که به دستور محمدبن علی عباسی انتخاب و به همه داعیان عباسی اعلام شد، نهایت کوشش عباسیان برای جلب قلوب شیعیان در رویارویی با اشرافیت عربی اموی بود. در این راه تا آنجا که امکان داشت از مظلومیت علویان و شیعیان نیز بهره جستند. ابومسلم در خراسان، جسد یحیی بن زید را دفن و قاتلان او را تحت همین نام قصاص کرد. سفاح هنگامی که سر مروان را به نزد او فرستادند، اعلام کرد که الان انتقام قاتلان حسین (ع) و زیدبن علی بن حسین (ع) را ستاندم. (مسعودی، ۱۳۷۰: ۳)

عباسیان منصب مهم و تأثیرگذار دیگری نیز در همین راستا تأسیس کردند و آن هم انتقال امامت شیعیان کیسانی از ابوهاشم، فرزند محمدبن حنیفه، به محمدبن علی عباسی بود. در این انتقال قدرت، راز و رمزهای کهنه و ناگفته‌ای وجود دارد که هنوز پوشیده مانده است (مختاراللیثی، ۱۳۷۸: ۴۸). ولی آنچه از این ماجرا قابل درک است، بهره برداری بیشتر از احساسات شیعیان و مخالفان بنی‌امیه با هر ترفند و هر وسیله‌ای است. عباسیان تقریباً از همه امکانات تبلیغی مانند بخشیده شدن مالیاتها، جزیه، خراج و ... سود می‌جستند. آنها تا بدانجا پیش رفتند که در بعضی نقاط به بررسی مطالبات قدیمی و نژادی ایرانیان نیز پرداختند؛ چنانکه یکی از مبلغان عباسی به نام خدش، در لفافه دعوت عباسی، به تبلیغ افکار مزدک در مورد زمین و مالکیت عمومی اقدام کرد. (پروشفسکی، ۱۳۴۶: ۶۸)

غالباً پیروزی عباسیان را پیروزی ایرانیان قلمداد می‌کنند (فرای، ۱۳۸۷: ۵۷). ولی شماری از سپاهیان و دعوات عباسی که باعث این پیروزی بودند، عرب بودند. خلافت عباسی هرگز ایرانی نبود؛ ولی از خلافت اموی بین‌المللی تر می‌نمود.

جنبش عباسیان سه مرکز متفاوت را در یک زمان رهبری می‌کرد. حمیمه، نخستین کانون این جنبش محسوب می‌شد و رهبری آن با ابوجعفر منصور و برادرش عبداله بن حارثه بود (مختاراللیثی، ۱۳۷۸: ۶۸). کانون دوم، در کوفه و رهبری آن با ابوسلمه خلال بود و کانون سوم، در خراسان و رهبری آن با ابومسلم بود و بالاخره این ابومسلم بود که توانسته بود سپاهی عظیم را تحت لوای سیاه‌جامگان عباسی و شعار محوری «الرضا من آل محمد» بسیج کند و سپاه آخرین خلیفه اموی، مروان بن محمد را در کنار رود زاب در هم بکوبد و با هلاکت مروان حمار در محرم سال ۱۳۲ ق، پرچم سیاه عباسیان را در کوفه به اهتزاز درآورد. (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۵-۱۰۴)

پیرامون شخصیت ابومسلم خراسانی باید به این نکته توجه کرد که او به عنوان یک شخصیت ناشناخته، عامل اصلی دستیابی عباسیان به قدرت است و برای بررسی ارتباط‌های ایرانی و شیعی عباسیان، بررسی انگیزه و عملکرد این پهلوان نامدار و بدفرجام خلافت عباسی ضروری می‌نماید. بر اساس برخی اسناد،

۲۷۲ ◆ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۷

ابومسلم غلامی ایرانی بوده که از سوی نقیب بکیربن ماهان خریداری شده و به محمدبن علی عباسی یا ابراهیم امام پیشکش شده بود (پتروشفسکی، ۱۳۴۶: ۶۹). ابراهیم امام، ابومسلم را آزاد کرد و در ۱۹ سالگی به عنوان فرمانده به خراسان فرستاد. درباره دلیل این انتخاب از سوی ابراهیم امام باید گفت: وی علاوه بر شجاعت و هوشیاری ذاتی ابومسلم، علاقه و عشق بیمارگونه ابومسلم را به نهضت عباسی دریافته بود و می‌دانست که او در مسیر کسب قدرت برای رهبران عباسی حرکت کرده، می‌تواند با شعارهای عباسی نیروهای مختلف و گرایشهای مختلف را در زیر علم سیاه عباسی گرد بیاورد.

ابومسلم معروف به خراسانی، شخصیتی ناشناخته دارد. او در کار قیام، سختگیر و تمایلات ملی‌گرایانه تندروانه‌ای از خود بروز می‌داد؛ چنانکه در آزار و اذیت تازیان متخاصم کینه بسیار نشان داد (طبری، بی‌تا: ۳۴؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۲: ۴۹۵). اما ابومسلم با وجود ارائه چهره‌ای علاقه‌مند به اهل بیت پیامبر (ص) در خونخواهی یحیی بن زید، همچنان که پیش‌تر اشاره شد، در همراهی با عبدالله بن معاویه بن عبدالملک بن جعفر بن ابی‌طالب نتوانست از خود خویشتن‌داری نشان دهد.

عبدالله بن معاویه که معتقد به انتقال امامت از ابوهاشم به وی بود، پس از مرگ هشام بن عبدالملک، از هرج و مرج ایجاد شده در خلافت اموی سود جست و قیام مهیبی را علیه امویان سازمان داد. دامنه قیام عبدالله مناطق وسیعی را از عراق تا همدان، اصفهان، ری و فارس در بر گرفت. عباسیان با وجود خطر قیام عبدالله ناچاراً با او هم‌پیمان شدند و حتی ابوجعفر منصور از عبدالله بن معاویه، حکمرانی منطقه اینج را پذیرفت. (اصفهانی، بی‌تا، ۱۶۷)

از سوی دیگر، مروان بن محمد که توانسته بود بر سایر رقیبان اموی فائق آید (طبری، بی‌تا: ۵۰)، نیروی عظیمی را بسیج و برای رویارویی با عبدالله بن معاویه گسیل داشت. عبدالله به دلیل فشار امویان و ضعف یاران، صلاح را در عقب‌نشینی به منطقه خراسان (ابن طباطبای، ۱۳۶۸: ۹۹) که حال به صورت زادگاه نهضت عباسی درآمده است، می‌بیند. عبدالله بن معاویه با وجود پناه جستن در دژ عباسیان، تفاوت بین جنبش علویان و عباسیان و نگرشهای متفاوت رهبران این دو جریان را درنیافت و به زودی خود را در محاصره حریف مسلط عباسی دید. ابومسلم پس از چندی حریف علوی را دستگیر و زندانی کرد و پس از مدتی او را کشت. (اصفهانی، بی‌تا، ۱۶۸)

نکته حائز توجه در مورد قیام عبدالله بن معاویه، آن است که منشأ امامت عبدالله بن معاویه و محمدبن علی عباسی هر دو به ابوهاشم می‌رسد و اینکه عبدالله بن معاویه به نهضت عباسی مرتبط و علاقه‌مند بود، به آنان حکمرانی داده و به آنان پناه جسته است. موضوع دیگر هم، شعار «رضا من آل محمد» است که از سوی عبدالله بن معاویه مطرح، ولی توسط عباسیان مصادره شد. مختار اللیثی به نقل از ولکهاوزن در این مورد

تشیح و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ۲۷۳

می‌نویسد: در نزد عباسیان، ارزش یک فرد علوی زنده، بیشتر از منزلت یک علوی مرده نبود. پس برضد او دسیسه چید و کسی را مأمور کرد تا او را (عبداله بن معاویه) به وضع بدی کشت. (مختاراللیثی، ۱۳۷۸: ۶۴)

ز) عصر توسعه نظام مذهبی - سیاسی شیعه

گروهی از اندیشمندان، تاریخ شیعه امامیه را به سه مرحله ذیل تقسیم کرده‌اند:

۱. دوران گسترش علمی شیعه (عصر امام محمد باقر^(ع) و امام جعفر صادق^(ع))؛

۲. عصر گسترش سیاسی شیعه (دوران امام موسی کاظم^(ع) و امام رضا^(ع))؛

۳. عصر غیبت (دوره امام هادی^(ع)، امام حسن عسکری^(ع) و امام مهدی^(عج)). (عادل ادیب، ۱۳۶۲: ۲۷۴)

آنچه بیش از همه برای نگارنده قابل توجه بوده و سعی دارد با اتکا به آن، چگونگی شکل‌گیری ساخت و شکل‌گیری قدرت شیعه را مشخص کند، عصر گسترش سیاسی شیعه است. این عصر از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. از عمده‌ترین ویژگی‌های این عصر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. موضع‌گیری‌های تبلیغاتی داعیان عباسی و استفاده از شعار محوری «الرضا من آل محمد» که از سوی عباسیان تا پایان دوران استقرارشان مطرح بود و تأثیرات متفاوتی را در جامعه و علاقه‌مندان به اهل بیت پیامبر(ص) و شیعیان و حتی مخالفان بر جای گذاشت.

۲. بهره‌گیری از آثار و نتایج کار علمی گسترده ائمه شیعه به ویژه در دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) که تنظیم و تنقیح علوم دینی شیعه و تربیت دانشمندان بزرگی برای ترویج آرای امامان شیعه را موجب شد.

۳. فروپاشی امپراتوری اموی به عنوان قوی‌ترین دشمن شیعه و ایرانیان و برآمدن دولت عباسی که خود منبعث از اراده ایرانیان ضد اموی بود.

۴. محبوبیت انقلابیون تأثیرگذار شیعه و علوی، همچون: زید، یحیی، عبدالله و ... در مناطق مختلف و فراهم شدن شرایطی برای معرفی حادثه کربلا پس از فروپاشی دولت اموی.

۵. آغاز نهضت ترجمه در ممالک اسلامی و آشنایی مسلمانان با فلسفه و سایر علوم یونانی، سریانی و غیر آن، که مردم را به علوم عقلی و استدلالی علاقه‌مند کرده، فضای علمی جامعه آن روز را برای ورود متکلمان و دانشمندان شیعه و سایر مذاهب به مباحث علمی فراهم آورد. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۷۱)

۶. مأمون که خود معتزلی‌مذهب بود (همان: ۷۱)، به موضوعات کلامی اهتمام ورزید و بحث و استدلال در موضوع مذاهب مختلف را رواج داد و علما و متکلمان شیعه از این آزادی استفاده کردند و در تبلیغ شیعه تلاش مضاعف از خود نشان دادند.

۷. دعوت مأمون از امام رضا(ع) برای پذیرش ولایتعهدی، که در نهایت به پذیرش اجباری این امر منجر شد؛ اما تا مدت‌ها مصونیت نسبی و عدم تعرض نسبت به علما و شیعیان را فراهم آورد.

۱. تأثیر ولایتعهدی امام رضا(ع) در شکل‌گیری نظام سیاسی شیعه

ولایتعهدی امام رضا(ع) اوج قدرت و نفوذ تشیع در عرصه قدرت سیاسی جهان اسلام است که موجب شد ظرفیتهای نظام مذهبی- سیاسی شیعه زمینه بروز و ظهور بیابد، به نحوی که گروه شیعیان و پایگاههای مردمی شیعه با هماهنگی و همبستگی برای مهار حکومت اموی و کار سیاسی اقدام مشترک را تجربه کردند. خصوصیت این مرحله، همبستگی شدید بین امام، به عنوان رهبر و پایگاهها و یاران و پیروانش بود که انواع سختی و شداید را متحمل شده بودند. (عادل ادیب، ۱۳۶۲: ۲۲۰)

محبوبیت امام رضا(ع) به حدی بود که مأمون بارها در سختی‌ها از امام رضا(ع) یاری می‌خواست. نفوذ معنوی امام(ع) به حدی رسیده بود که خلیفه برای نجات خود به ایشان پناه می‌برد؛ به نحوی که علیه او سخنی نگویند و از حکومت مأمون اظهار ناخرسندی نکنند (عیون اخبار الرضا، ج ۲: ۱۴۱). مأمون در واقعه قتل فضل بن سهل که همگان او را مقصر می‌دانستند، از درب پشت قصر به خانه امام رضا(ع) پناه می‌برد و در آنجا پناه می‌گیرد. (طبری، بی‌تا: ۵۶۵)

۲. قیامهای علویان در این دوره

در این دوره؛ یعنی دوره امام کاظم(ع) و امام رضا(ع)، قیامهای علویان توسعه چشمگیری یافت. ذکر این نکته نیز در این بحث ضروری است که دامنه بسیاری از این قیامها، ایرانیان و شیعیان ایران را نیز به صورتی در متن ماجرا قرار داد. ابن طباطبا شرح مختصری از این قیامها را ارائه داده است که بررسی آنها برای رسیدن به این معنا که «شیعه یک انتخاب ایرانی است، نه یک مذهب ایرانی»، امری ضروری می‌نماید.

اولین قیام در این دوران که بحث درباره آن ضرورت دارد، قیام یحیی بن عبدالله است. وی با اتکا به اعتقادات مردم دیلم و بیعت با آنان به مقابله با عباسیان پرداخت؛ ولی پس از دریافت امان‌نامه‌ای خاص از هارون، از قیام دست کشید و پس از مدتی به فرمان هارون کشته شد. (ابن طباطبا، ۱۳۶۸: ۲۶۵)

از دیگر قیامهای شیعی که باعث شد شیعه بتواند جایگاه قابل قبولی در نظام سیاسی جهان اسلام پیدا کند، قیام ادریس بن عبدالله بود که در منطقه غربی خلافت عباسی به وقوع پیوست. او ابتدا در منطقه فح

۲۷۵ ❖ تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی

شکست خورد و به مصر گریخت و از مصر به افریقه رفت و در سال ۱۷۲ ق. دولت مستقلی از عباسیان را در مغرب و تلمسان بنیان گذاشت. (اصفهانی، بی تا: ۸۱ مختاراللیبی، ۱۳۷۸: ۳۱۲)

در باب شکل‌گیری و قدرت‌یابی تشیع در ایران نباید از قدرت یافتن خاندان ایرانی آل برمک در تشکیلات دیوانی عباسی غافل شد؛ چراکه این خاندان توانست در برهه‌ای، قدرت اول اداری و نظامی خلافت عباسی را به خود اختصاص داده، بنیانهای قدرت ایرانی را در دستگاه خلافت عباسی تقویت کند.

خلافت عباسی به ویژه پس از فوت هارون، فرصتی را برای شیعه مهیا ساخت تا با استفاده از خلع قدرت هارون و اشتغال امین و مأمون به درگیری‌های درون خانوادگی و مواجهه با اغتشاشات صورت گرفته از سوی مخالفان، پایه‌های فکری و سیاسی خود را استوار کرده، نظام سیاسی خویش را شکل داده و مستحکم سازند.

شرایط پیش‌گفته که همانا کشمکش خشونت‌بار میان امین و مأمون و ظهور سفیانی (علی بن عبدالله بن خالد بن یزید بن معاویه بن ابی سفیان) و احتمال قدرت یافتن او بود (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۴: ۷۷-۷۵)، باعث شد شیعیان در شرایط بهتری به امور خود بپردازند. (اصفهانی، بی تا: ۵، ۹)

همین امر موجب شد شیعیان از نظام فکری، سیاسی و حتی نظامی برخوردار شوند و با استفاده از آن، خلافت عباسی را با چالش‌های جدی مواجه سازند. برای اثبات این موضوع، نگاهی گذرا به قیام‌های شیعیان در این دوره بسیار راهگشا خواهد بود؛ از جمله قیام محمد بن ابراهیم الحسین، معروف به ابن طباطبا با شعار محوری «رضا از آل محمد» (عیون اخبار الرضا، ج ۲: ۲۰۸) و حکومت بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و سیره امام علی (ع)، که در کوفه آغاز شد و در همان شهر شکست خورد (همان: ۵۴۹؛ طبری، بی تا: ۱۲۳). پس از سرکوب قیام ابن طباطبا، شورش‌های وسیع دیگری به وقوع پیوست؛ از جمله: قیام ابراهیم بن موسی بن جعفر در یمین (عادل ادیب، ۱۳۶۲: ۲۲۸)، قیام حسین بن حسن افضس در مصر و قیام زید بن موسی بن جعفر در بصره (اصفهانی، بی تا: ۵۳۴) که همه آنها به نوعی زمینه‌های شکل‌گیری نظام فکری و سیاسی شیعه را به وجود آوردند. اما آنچه بیش از همه به این امر کمک کرد، ورود امام رضا (ع) به ایران (۲۰۱ هجری) بر اثر اصرار و فشار جابرانه مأمون بود که باعث بروز، ظهور و افزایش علاقه‌مندی ایرانیان به خاندان پیامبر (ص) شد. حضور جمعیت‌های انبوه از علاقه‌مندان به اهل بیت (ع) در مسیر حرکت امام به سوی طوس، نشانه همین امر است؛ آنچنان که مورخان گفته‌اند، تنها در نیشابور ۱۲۰ هزار نفر برای شنیدن حدیث از امام (ع) اجتماع کرده بودند. از دیگر سو، ترغیب گروه‌های بی‌شماری از علویان و فرزندان امام موسی کاظم (ع) برای پیوستن یا دیدار با امام و اسکان این افراد در مناطق مختلف و تشخص یافتن آنها به لقب امام‌زادگان، موجی از ارادت و احترام به خاندان نبوت را در مردم ایران ایجاد کرد و مزار سادات علوی، زیارتگاه افراد محلی شد. اما مهم‌ترین تأثیر حضور امام در ایران این امر بود که هویت شیعیان ایرانی از شیعه منحصراً زیدی، به

هویت امامیه و بعدها اثنی عشری دگرگون شد و زمینه تأسیس دولتهای شیعه را در دوره اول خلافت عباسی فراهم آورد. این امر نه از قدرت نظامی یا سیاسی امام، بلکه به واسطه قدرت معنوی ایشان امکان پذیر شد.

عطار نیشابوری درباره قدرت معنوی امام رضا(ع) می نویسد: «معروف کرخی رحمت اله علیه برفت و بر دست علی بن موسی الرضا مسلمان شد. بعد از چند گاه، روزی به درخانه پدر رفت در خانه بکوفت. گفتند: کیست؟ گفت: معروف. گفتند: بر کدام دینی؟ گفت بر دین محمد رسول الله(ص). مادرش و پدرش در حال مسلمان شدنند.» (عطار، بی تا، ۳۶۹)

۳. حکومت‌های ایرانی

همان گونه که گفته شد، سلسله فرایندهای اقناعی و فکری شیعه، به ویژه حضور امام رضا(ع) در ایران، موجب شد هویت مستقل ایرانی بر اساس مذهب تشیع شکل پذیرفته و در ادامه برای تشکیل حکومت‌های مستقل ایرانی فرصت‌های بی شماری را فراهم آورد.

قرن سوم سرآغاز دوره استقلال سیاسی ایرانیان و گسترش اسلام در قلمرویی است که ما آن را سرزمین ایران می دانیم. (مطهری، ۱۳۸۷: ۹۵)

آنچه مسلمان شدن ایرانیان را وسعت و سرعت بخشید، حرکت تبلیغی و جهادی شیعیان بود. از جمله این گروه‌های جهادی و تبلیغی می توان به گروه‌های کیسانی، زیدی، غلات و اسماعیلیه، قرامطه و غیره اشاره کرد که علاوه بر تبلیغ در مناطقی از ایران، بعضاً حکومت‌هایی نیز تشکیل دادند که به مسلمان شدن ایرانیان و تقویت مذهب شیعه منجر شد. در این سیر البته نقش متفکران ایرانی و شیعه مانند ابن بابویه(م. ۳۸۱)، شیخ مفید(م. ۴۱۳)، طوسی(م. ۴۶۰) و طبرسی(م. ۵۴۸) که به ترویج تشیع همت گماشتند نیز سترگ و ستودنی است.

تأثیر نفوذ و قدرت شیعیان در دوران خلافت مأمون به حدی رسید که مأمون برای بهره گیری از قدرت آنها یا برای خلاصی از قیام‌های پی در پی علویان و شیعیان، اقداماتی را انجام داد تا از این طریق و با استفاده از نفوذ معنوی شیعیان، پایه‌های قدرت خویش را مستحکم تر کند؛ اقداماتی نظیر تغییر رنگ علم عباسیان از سیاه عباسی به سبز علوی، ضرب سکه با نام علی بن موسی الرضا و انتخاب ایشان به ولایتعهدی؛ اقداماتی که نتوانست الفتی میان حکومت او و علویان فراهم کند، اما موجب شد گفتمان علوی با قدرت بیشتر در جامعه مطرح شود و همچنان تداوم یابد.

پتروشفسکی در کتاب «اسلام در ایران» به موضوع مهم دیگری در همین دوران اشاره دارد. او می گوید: در ایران، نهضت‌های خلق معمولاً توسط فرقه خرم‌دینان که انشعابی از فرقه مزدکیان بود، رهبری می شد و این گروه در ایران به خاطر استقرار مساوات اجتماعی و لغو مالکیت خصوصی بر زمین و انتقال

تشیح و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ◊ ۲۷۷

ارضی به جماعت‌های آزاد روستایی می‌کوشیدند. ولی از اواسط قرن سوم هجری، رهبری عقیدتی نهضت‌های خلق در ایران به دست شیعیان افتاد و نخست زیدیان و پس از آن قرمطیان و اسماعیلیان و پس از ایشان شیعه امامیه و غلات شیعه، هدایت نهضت‌ها را به عهده گرفتند (پتروشفسکی، ۱۳۴۶: ۲۶۵). توین‌بی نیز در این مورد معتقد است: علاوه بر قیام‌های غیر اسلامی، ویژگی دیگری که می‌توان طرح کرد، جوشش اشکال غیر سنی اسلام در ایران و عراق در این دوره از تاریخ اسلام بوده است. (توین بی، ۱۳۷۸: ۴۷۲)

در دوره مورد نظر که مورخان آن را دوره حکومت‌های متقارن در ایران نامگذاری کرده‌اند، علاوه بر حاکمان ایرانی طاهریان (۲۵۹-۲۰۶ هـ / ۸۷۲-۸۲۱ م)، صفاریان (۳۹۳-۲۴۷ هـ / ۱۰۰۲-۸۶۱ م) و سامانیان (۳۸۹-۲۷۹ هـ / ۹۹۸-۸۹۲ م) که هر کدام دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مخصوص به خود می‌باشند و در تاریخ و تمدن ایرانی و اسلامی تأثیر داشته‌اند؛ سلسله‌های اسلامی، شیعی و ایرانی نیز به چشم می‌خورند که هر کدام شایسته بررسی مجدانه و ویژه‌اند.

از آن جمله، حکومت شیعی آل زیار است که اولین حکومت شیعی و ملی ایرانیان است. این خاندان خانواده‌ای از اهالی گیلان و در زمره ارادتمندان داعی کبیر بودند. داعی کبیر در دوران انزوا در گیلان سعی در مسلمان کردن مردم گیلان کرد و افراد زیادی از جمله لیلی بن نعمان، حسن فیروزان، اسفاربین شیرویه، مرداویج زیاری و علی بن بویه گرد او جمع شدند.

درباره شکل‌گیری و سرنوشت حکومت آل زیار در تاریخ آمده است: مرداویج ابتدا از یاران اسفاربین شیرویه بود. پس از فتح طبرستان توسط اسفارب، مأموریت یافت که با حاکم طارم ملاقات و او را به همراهی با اسفارب راضی کند. اما مرداویج که چندان از اسفارب دلخوش نبود، علیه او با سالار مسافری، حاکم طارم وارد مذاکره شد. سرانجام مرداویج بر اسفارب شورید و او را از قزوین به ری روانه کرد. مرداویج مناطق وسیع دیگری را ضمیمه قلمرو خود کرد و در سال ۳۱۹ هـ / ۹۳۱ م. بر همدان نیز دست یافت و عازم جنگ با هارون‌القریب، سردار مقتدر عباسی شد. پس از در هم شکستن سردار عباسی، اصفهان را نیز فتح کرد و عازم فتح خوزستان شد. سرانجام در سال ۳۲۳ هـ / ۹۳۴ م. بر اثر توطئه، به وسیله غلامان خود کشته شد. پس از کشته شدن مرداویج، سرداران سپاه او به سالاری و شمشکیرین زیار رضایت دادند. زیاریان تا سال ۴۰۳ هـ / ۱۰۱۲ م. با وجود فراز و نشیب‌های فراوان، در منطقه وسیعی از طبرستان، ری و گرگان حکومت کردند در دوره بهستون‌بن و شمشکیر با خلیفه عباسی سازش و از خلیفه فرمان حکومت گرفتند و بالاخره شمس‌المعالی قابوس‌بن و شمشکیر (۴۰۳-۳۶۶ هـ / ۱۰۱۲-۹۷۶ م) که بلندآوازه‌ترین فرومانروای سلسله آل زیار است، در رویارویی با مؤید الدوله دیلمی اسیر و کشته شد. زیاریان دوران قدرت حاکمان غزنه را نیز تاب آوردند، ولی بالاخره در مقابل طغرل سلجوقی شکست خورده و تسلیم شدند. (بیات، ۱۳۷۹: ۷۰)

اما یکی از تأثیرگذارترین سلسله‌های ملی و شیعی تاریخ ایران، سلسله آل بویه است که توسط سه برادر به نامهای علی، حسن و احمد، فرزندان بویه ماهیگیر تشکیل شد. ابتدای قدرت این سلسله را بایستی از زمان ظهور مردآویج زیاری دانست. علی به فرمان مردآویج ابتدا به حکومت کرج منصوب شد و سپس به اصفهان تاخت. برادر دیگرش حسن، ری و کاشان و اصفهان را تصرف کرد و بر عراق عجم حکومت یافت و احمد که برادر کوچک‌تر بود، کرمان را تصرف کرد (۳۳۴ هـ/ ۹۴۵ م) و بالاخره به بغداد حمله کرد و در سال ۳۳۴ هـ وارد بغداد شد و سررشته کارها را به دست گرفت. باید اذعان کرد که با حکومت آل بویه، شیعه امامیه بلند آوازه شد و توانست در مسیر افزایش قدرت خویش قدم بردارد.

آل بویه پس از تسلط بر بغداد، به منظور استقلال از زیدیان به مذهب امامیه اثنی عشری گراییدند. (الشیعی، ۱۳۷۸: ۴۱)

الیثی معتقد است دلیل این تغییر اعتقاد آن بود که شیعه امامیه رسماً امامی نداشت که مردم را به حکومت او دعوت کنند. (همان)

تصرف بغداد به دست آل بویه را باید اوج پیشرفت سیاسی ایرانیان در جهان اسلام دانست؛ چرا که آل بویه با تسخیر بغداد، ضمن دست‌نشانده کردن خلافت عباسی، جایگاه شیعه را در عرصه قدرت سیاسی در جهان اسلام ارتقا داده، با تسلط به امور و جابه‌جایی خلفا، زمام امور امت اسلام را به دست گرفتند.

در دوران آل بویه، شیعه که همواره در قلوب مردم ایران ریشه داشت، رشد و توسعه فراوان یافت؛ به نحوی که آیینهای مخصوص شیعیان، باشکوه خاصی در مناطق مختلف برگزار می‌شد. در روز عاشورا بازارها تعطیل و مراسم سوگواری انجام می‌شد؛ در عید غدیر علاوه بر سایر اعیاد اسلامی جشن گرفته می‌شد و خطبا به ذکر فضایل امام علی (ع) می‌پرداختند و مردم نیز به تدریج در این مراسم شرکت می‌کردند. این امور به نحوی بود که برای مردم امری عادی به شمار می‌رفت و جزء فرهنگ عمومی جامعه محسوب می‌شد. به عبارت بهتر؛ موفقیت‌های مذکور، خود یکی از عوامل قدرت یافتن شیعه در قرن چهارم و پنجم در ایران و عراق و شکل‌گیری پایه‌های نظام‌سازی شیعه به شمار می‌رفت.

در همین دوران؛ یعنی حکومت آل بویه، جامعه شیعه شاهد ظهور دانشمند بزرگی در بغداد به نام شیخ مفید بود. وی که یکی از متکلمان نامدار شیعه امامیه است، در این دوره مورد توجه و تکریم مردم عراق و بغداد بود. او مسجد برائا در منطقه کرخ بغداد را بنیان نهاد. شیخ مفید در پرتو قدرت معنوی و موقعیت ویژه خود توانست بین فرق مختلف شیعه در مبانی، عقاید و اندیشه، انسجام به وجود آورد.

اقدامات شیخ مفید و علمای پیش از او نشان داد که علم و فقه شیعی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای شیعه برای ایجاد نظام سیاسی و رسیدن به یک قدرت مستقر بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به ظهور علمای شیعه در نواحی مختلف از جمله: ری، قم، شمال ایران و در مناطق دیگری مثل فارس اشاره کرد که آغاز یک جهاد علمی فراگیر و خیزش عظیمی را برای ترویج شیعه به وجود آوردند.

تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ♦ ۲۷۹

یکی دیگر از نشانه‌های قدرت شیعه در نظام‌سازی و دستیابی به قدرت مستقر را باید در تأسیس شهر نجف به عنوان یکی از مراکز تشیع دانست؛ شهری که در روزگار آل بویه بنیانگذاری شد و جای کوفه را گرفت. درباره ساخت این شهر آمده است: عضدالدوله (م. ۳۹۲ هـ) آن شهر را در کنار مرقد علی (ع) بنیاد کرد و نجف را که منطقه حله را نیز در بر می‌گرفت، به عنوان یک امارت و ولایت کاملاً شیعه‌نشین دایر کرد؛ به نحوی که این مرکز در دوران مغولان نیز یکی از مراکز مهم شیعه بود. (الشیبی، ۱۳۷۸: ۴۲)

آنچه در پایان این بخش باید مورد توجه مجدد قرار گیرد، ارزش خاندانهای ایرانی و به خصوص شیعی در گسترش مذهب شیعه در ایران و ایجاد یک نظام مذهبی - سیاسی دارای پایگاههای مردمی برای تداوم مذهب اهل بیت (ع) است.

ح) نتیجه‌گیری

شیعه که از زمان حضرت رسول (ص) آغاز شده و در روند تاریخی خود از سوی خلفای سنی مورد تحدید و تهدید قرار گرفته بود، با بهره‌مندی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های ویژه خود توانست ضمن حفاظت از خود و اندیشه‌های مورد نظرش، نظام فکری، مذهبی و سیاسی‌ای را پایه‌گذاری کند که پس از گذشت قرن‌ها، این مذهب اصیل را به جایگاه واقعی خود برساند؛ از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. سرآغاز مذهب شیعه با شاخصه حب اهل بیت (ع)، هم‌عصر پیامبر اسلام (ص) است و هیچگاه میان کلام، سنت نبوی، تنزیل وحی و اهل بیت (ع) جدایی به وجود نیامده است: «لن یفترقا حتی یرد علی الحوض». همین موضوع مشخص می‌سازد که:

- مذهب شیعه، مذهبی اصیل و برآمده از اصل اسلام بوده و اولین شیعیان، صحابیان رسول خدا (ص) می‌باشند.
- ایرانیان اولین شیعیان نبوده و این مذهب از سرزمین عربستان و توسط مجاهدین، علما و گروههای مهاجر شیعه عرب به ایران وارد شده است.
- شیعه یک مذهب ایرانی و نژادی نیست، بلکه یک انتخاب ایرانی است.
- ورود شیعه به ایران همانند ورود اسلام به این سرزمین، تدریجی بوده، مدتها و طی چند قرن به طول انجامیده است.

۲. سیاستهای بنی‌امیه در مبارزه با شیعیان و ستیز با علویان و موالی و ایرانیان، در رشد معنوی شیعه مهم ارزیابی می‌شود. توجه به این مسئله نشان می‌دهد که نوع برخورد حکومت‌های مستقر با شیعیان تأثیر قابل توجهی بر پویایی شیعه و ایجاد نظام فکری مستقل ایفا کرده است؛ چرا که:

- شهادت حسین بن علی(ع) و قیامهایی که پس از آن جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داد، به عمق و غنای معنوی شیعه کمک کرد.
 - کار علمی و تشکیلاتی ائمه شیعه نیز در همین راستا قابل توجه است؛ زیرا آنها با تأکید بر ماجرای کربلا، به بسط و گسترش مفاهیم سیاسی و فکری شیعه پرداختند و زمینه‌های قدرت مذهبی- سیاسی آن را فراهم آوردند.
 - پیروزی عباسیان با استفاده از شعارها و نشانه‌های علوی و سود جستن از نفرت شیعیان، علویان، موالی و ایرانیان از بنی‌امیه به انجام رسید. این امر، نشان از جایگاه و نفوذ شیعیان در جهان اسلام داشته و بیانگر وزن سیاسی و فکری این گروه است.
۳. در دوره امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) توسعه سیاسی تفکر شیعی سرتاسر جهان اسلام را فرا گرفته بود و ولایتعهدی امام رضا(ع) در دوران خلافت مأمون عباسی بیانگر نیاز حکومت مستقر به قدرت شیعیان و بهره‌برداری از محبوبیت امام است.
- در خصوص استفاده مأمون از موقعیت امام رضا(ع) برای تثبیت موقعیت خود باید به این نکته توجه داشت که هر چند مأمون با هدف سیاسی و برای جلوگیری از قدرت‌گیری شیعیان و نیز کنترل امام هشتم و بهره‌برداری از ایشان برای تثبیت موقعیت خود به انتصاب امام رضا(ع) به مقام ولایتعهدی اقدام کرد، ولی این انتصاب برای مأمون (به دلیل اتخاذ روشهای خاص امام) چندان کارساز نبود و به زودی سرتاسر قلمرو عباسی را قیامهای علویان و مخالفان فرا گرفت.
 - ورود فرزندان امام موسی کاظم(ع) و علویان به ایران در همین دوره، به ترویج تشیع و علاقه ایرانیان به خاندان پیامبر(ص) کمک کرد.
 - قدرت‌گیری شیعه در مسیر حرکت خود در دوره اولیه خلافت عباسی که به دوره استعجام معروف شد، به بار نشست و تلاشهای ایرانیان برای استقلال و خارج شدن از استیلای خلافت عباسی به پیروزی‌های قابل توجهی منجر شد و حکومتهای مستقل و نیمه‌مستقل ایرانی از نقاط مختلف ایران سر برآوردند. اوج این تلاشها را باید در تشکیل حکومتهای مستقل شیعه در مناطق مختلف ایران توسط زیدیان، علویان و خاندانهای مختلف ایرانی و شیعه همچون زباریان و آل بویه جستجو کرد.
۴. بسط قدرت و نفوذ تشیع در جهان اسلام، این قدرت را به شیعیان داد تا به نظام‌سازی فکری، مذهبی و سیاسی خود همت کرده و از لحاظ قدرت سیاسی و نظامی به مرحله‌ای برسند که:
- آل بویه علاوه بر دست‌اندازی به خلافت عباسی و تحت‌الحمایه کردن خلفا، بسیاری از آیینها و اعیاد شیعیان را در سرتاسر قلمرو اسلامی احیا کنند.

تشیح و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ◊ ۲۸۱

- شهرهای شیعه‌نشینى مانند نجف را ایجاد و شهرهای دیگری را نیز به عنوان مراکز شیعه معرفی کنند.

- دانشمندان شیعی مانند شیخ مفید و سایر علمای هم‌عصر او نیز در همین دوره تربیت و بر قدرت نظام سیاسی- فکری شیعه افزودند.

با عنایت به مطالب پیش گفته، باید به این نکته تأکید کرد که شیعه به عنوان یک مذهب اسلامی و با توجه به شرایط خاص مبلغان و مدافعان آن و نیز گرایش به حق و حقیقت از سوی پیروان این مکتب، مورد توجه خاص ایرانیان قرار گرفت و مردم ایران با انتخاب این نظام مذهبی- سیاسی، ضمن گرایش بر حق و حق‌طلبی، با حکومت‌های جابر و خلفای ظالم اموی و عباسی به مقابله پرداختند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن ابی الحدید (۱۳۸۸). شرح نهج البلاغه. محمد مهدی مهدوی دامغانی. تهران: نی، چ چهارم.
- ابن اثیر (۱۳۹۹ ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.
- ابن طباطبای، محمد بن علی (ابن طقطقی) (۱۳۶۸). تاریخ فخری. ترجمه محمد وحید گلپایگانی. تهران: علمی فرهنگی، چ سوم.
- احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی فرهنگی، چ ششم.
- اشپولر برتولد (بی تا). تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود آفتاب. تهران: علمی فرهنگی.
- اصفهانی، ابوالفرج (بی تا). مقال الطالین. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
- پطروشفسکی و دیگران (۱۳۴۶). تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، ج ۲. ترجمه کریم کشاورز. تهران: بی تا.
- توین بی، آرنولد (۱۳۷۸). تاریخ تمدن. ترجمه یعقوب آژند. [بی جا]: [بی تا]، چ چهارم.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۱). تاریخ تشیع در ایران، چ سوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۴). اخبار الطوال. ترجمه محمد مهدی دامغانی. تهران: نی.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۳). تاریخ ده هزار ساله ایران. تهران: اقبال، چ ششم.
- سیدین طاووس (۱۳۸۵). لهوف. ترجمه عباس عزیزی. [بی جا]: صلاه، چ هفتم.
- شهرستانی، عبدالکریم (بی تا). الملل و النحل. ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی. تصحیح محمدرضا جلالی نائینی. تهران: بی تا.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۸). تشیع و تصوف. ترجمه علیرضا زکاوتی قراگوزلو. تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۵). شیعه در اسلام. ترجمه محمد علی کوشا. مشهد: آستان قدس رضوی، چ ششم.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا). تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲. ابولقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- عادل ادیب (۱۳۶۲). زندگی پیشوایان ما. اسداله مبشری. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- عطار نیشابوری (بی تا). تذکره الاولیا. به کوشش رنولد الین نیکلسون. تهران: مولی.
- فرای، آران (۱۳۸۷). تاریخ ایران. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- کوفی، ابن اعثم (۱۳۷۴). الفتوح. ترجمه محمد بن احمد مستوفی. به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی فرهنگی.
- مختار اللیثی، سمیره (۱۳۷۸). مبارزات شیعیان در دوره تحت خلافت عباسیان. سید کاظم طباطبایی. مشهد: آستان قدس رضوی، چ دوم.

تشیع و دوران نظام‌سازی مذهبی و سیاسی ♦ ۲۸۳

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۰). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: صدرا، چ سی و ششم.
- معروف‌الحسنی، هاشم (بی تا). *جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام*. ترجمه سید محمدصادق عارف. [بی جا]: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۹). *دین و دولت در عصر صفوی*. تهران: امیرکبیر.
- Adel Adib (1983). **Our Leaders' Life**. Asad-Allah Mobasheri. Tehran: Nashr-e Farhang Eslami.
- Ahmad Ibn Abi-Yaghub (1992). **Yaghubi's History**. Translation by Mohammad Ibrahim Ayati. 6th edition, Tehran: Elmi-Farhangi.
- Al-Sheybi, Kamel Mostafa (1999). **Shia and Mysticism**. Translation Alireza Zekavati. Tehran: Amir Kabir.
- Attar Neyshaburi (?). **Tazkerat-o- Olia**. Tehran: Mowla.
- Dinvari, Abu Hanifeh Ahmad Ibn Davood (1984). **Akhbar al-Taval**. Translation by Mohammad Mahdi Damghani. Tehran. Nashr-e-Ney.
- Esfahani, Abul-Faraj (?). **Maghatel Al-Talebin**. Translation Seyyed Hashem Rasuli Mahalati. The Correction of Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Sadugh.
- Ferai, R.N. (2008). **Iran History**. Translation by Hasan Anousheh. Tehran. Amir Kabir.
- Ibn Abi-Alhadid (2009). **The description of Nahj-ol-Balagheh**. Mohammad Mahdi Mahdavi Damghani. 4th Edition, Tehran: Nashr-e-Ney.
- Ibn Asir (1979). **The Complete History**. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Tabataba, Mohammad Ibn Ali (1989). **The History of Fakhri**. Mohammad Vahid Golpayegani. Tehran: Elmi-Farhangi.
- Kufi, Ibn A'asam (1995). **Al-Fotuh**. By Mohammad Ibn Ahmad Mostofi. Tehran: Elmi- Farhangi.
- Ma'arouf al-Hasani, Hashem (?). **Shia's movements in Islam**. Translation by Seyyed Mohammad Sadegh Aref. Islamic Research Institution.
- Masoudi, Abol-Hasan (1981). **Maroj Al-Zahab Va Ma'aden Al-Johar**. Translation Abul Qasem Payandeh. The Bank of Translation Pub.
- Mir Ahmadi, Maryam (1990). **Religion and Government in the Reign of Safavi**. Tehran: Amir Kabir.
- Mokhtar al-Leysi, Samireh (1998). **The Fight of Shias in the Reign of Abbasi**. Translation by Seyyed Kazem Tabatabaei. 2nd Edition. Mashhad: Razavi's Holy Shrine Publication.
- Motahari, Mortaza (1988). **The Mutual Services of Iran and Islam**. Tehran: Sadra.
- Petroschofsky & et al's (1966). **History of Iran from the Ancient Time Till the End of 18th Century**, 2nd volume. Translation by Karim Keshavarz. Tehran.
- Rezaei, Abd al-Azim (1994). **Iran 10 thousand years History**. 6th edition. Eghbal.

- Schpoler, Berthold (?). **Mongolian History in Iran**. Mahmood Aftab. Tehran: Elmi- Farhangi.
- Seyyed Ibn Tavoos (2006). **Lohuf**. Translation Abbas Azizi. 7th edition. Salat.
- Shahrestani, Abd al-Karim (?). **Al-Melal va Al-Nehal**. By Afzal al-din Sad Tarke Esfahani. The Correction of Mohammad Reza Jalali Naeini. Tehran.
- Tabari, Mohammad Ibn Al-Jarir (?). **History of Prophets and Rulers**. Translation by Abul Qasem Payandeh. Tehran: Asatir.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (2006). **Shia in Islam**. Translation Mohammad Ali Kusha. Mashhad: Razavi's Holy Shrine Publication.
- Tvin B., Arnold (1998). **The History of Civilization**. Translation Yaqub Azhand. 4th Edition.

